

هو الحكيم\*

عنوان:

تجسم اوهام و تخیلات در جریان یمانی



دکتر وحید باقر پورکاشانی



سیرتہاگھی SERATEHAGHI



تواین مقاله من يك بحثی را مطرح کرده ام  
که مطلب ثابت شده در علم روانشناسی است  
می گوید ؛ گاهی بر اثر اشتغال  
فراوان فکر به يك موضوع  
و تکرار آن در مغز، آن موضوع  
صورت خارجی به خود می گیرد  
در رابطه با خارج تحقق پیدا کرده،  
در صورتی که چنین چیزی نیست  
به این معنی که در برادر دیدگان  
فکر کننده مجسم می شود  
آن کسی که فکر می کند،  
فکرش درگیر است



این موضوع گاهی در عالم خواب به صورت رؤیا و زمانی در حالت بیداری اتفاق می افتد. حالات مزاجی انسان نیز در این امر تأثیر فراوانی دارد، یعنی گاهی اوقات کمبود ویتامین ها، فشارهای قوه ی دماغی انسان و جهان مختلف، گاهی اوقات این مسائل را به وجود می آورد. حالات مجازی انسان نیز در این امر تأثیر فراوانی دارد به این معنی که بر اثر انحراف مزاج از حالت تعادل طبیعی به واسطه ی ریاضت های شاقه یا بیماری ها یا پیشامدهای ناگوار، و تلقینات موضوع تجسم خیال، تقویت پیدا کرده و اوهام به طور آسان تری صورت خارجی به خود می گیرند،



مخصوصاً حالات مجازی رابطه‌ی مستقیمی بر  
وضعیت خواب و رؤیادارد به حدی که اطبای قدیم  
وفلاسفه‌ی طبیعی مشاهده‌ی درس وامثال آن  
را دلیل بر کم‌شدن حرارت غریزی و  
غلبه‌ی سردی بر مزاج و دیدن باران  
را دلیل بر زیادی رطوبت و غلبه‌ی آن بر مزاج  
می دانسته‌اند همچنین دیدن آتش و شعله‌های  
قوی و حمام‌های گرم را شاهد بر استیلای حرارت  
بر مزاج و بالارفتن آن از درجه‌ی طبیعی  
می دانسته‌اند، بر اثر همین موضوع اطبای قدیمی  
برای تشخیص بیماری‌ها از وضعیت خواب‌های بیمار  
استفاده می کردند،



بیمار بوده، می گفته خوابت را برای  
ما تعریف کن، تعریف می کرده  
تو برف بودم تو مشکلت این است  
تو بارون بودم تو آتش بودم، از این ها می فهمیدند،  
یعنی چی؟ یعنی عدم تعادل مزاج  
روی خواب خودش را نشان می دهد و از طریق  
خواب تشخیص می دادند تو چه مریضی داری  
گاهی ممکن است نظیر این قضیه  
در عالم بیداری نیز اتفاق بیفتد  
به طور مثال، چشم و گوش سالک دائماً متوجه  
عالم غیب است، همش غیب بینیم  
غیب بینیم، غیب بینیم



وهمواره منتظر است که دری از آن  
عالم به سوی او گشاده شود و یا  
سروشی، صدایی به گوش او برسد  
ناگاه در اثر فعالیت قوه ی خیال  
صداهایی به گوش می شنود  
که بلافاصله توجه او را به خود جلب  
می کند و تفسیر هایی برای آن  
می کند اما کسانی که وارد مرحله ی  
ثانوی یعنی مرحله ی ذکر و ریاضت  
های شاغره شده اند در فکر آنها  
اندیشه های گوناگون موج می زند و  
گاه بر اثر شنیدن مطالب ذوقی و  
نشاط آور فکر این افراد تخطیر می شود



و روح حالت تعادل طبیعی خود را از دست می دهد و مرحله ی ضعیف خواب مغناطیسی برای آن عارض می شود در اثر تلقینات قبلی، این حالت تأیید شده، و سالک يك حالت انبساط و فرح که با رخوت و سستی اعصاب توأم است در خود حس می کند از سوی دیگر کثرت تکرار ذکر یا شعر، ایجاد يك حالت خستگی توأم با حرارت و جوش و و خروشی کرده و مرتباً نیروی توهم را تقویت می کند ریاضت های قبلی نیز کار خود را کرده زمینه را برای فعالیت های قوه ی خیال مهیا می کند، ولذا این نیرو دائما منتظر است



تا حادثه ای اتفاق بیفتد  
مشاهده یا مکاشفه ای رخ بدهد  
هر شب این دعا را دارد می خواند که مثلاً  
جناب احمد (احمدالحسن - مدعی یمانی)  
درست هست یا نادرست هست؟  
این ذهن درگیر هست!  
حالا یکی رو هم تو خواب می بینه می گه آقا  
من فلانی هستم و احمد مثلاً بر حق هست!  
یا هرکسی! هر چیزی! ما داشتیم نمونه هایی از  
مواردی که مشاوره داشتیم اومده  
که سبب يك ازدواج چی شده؟





سبب ازدواج این بوده که يك آقایی يك  
خانمی رو دیده، عكشش رو هی می دیده،  
آخرش تو خواب به او گفتن که به او  
رسیدی و تو خواب با او ازدواج کرده  
و چون خوابی دیده می گه پس باید او رابگیریم!  
و بعد هم گرفتن و به مشکل خوردن و بعد هم به  
اختلاف خوردن و می خواستن طلاق بگیرن  
تا مشکل حل بشه! از این حرف ها زیاد داریم ما  
متأسفانه! گاهی اوقات آقا روی منبر هست حدیث  
و قرآن می خونه، ملت چرت می زنن! آقا دیشب  
يك محمدتقی يك خوابی دیده،  
همه چشم ها گرد که چه خوابی دیده!





حدیث و قرآن می خونن تو چرت داری می زنی!

بار او مدیم با خواب! از خواب بیشتر

حال می کنیم تا این کتابی که یک

کرامتی از حضرات معصومین علیهم السلام رو

بخوایم بخونیم! این انحراف ماست!

این اعوجاج هست! تعارف نداریم!

کسانی از سخنوارن که مردم رو به سمت خواب و

مکاشفه دارن سوق می دن اینها هم اشتباه دارن

می کنن! این مسیر حقی نیست!

آقا امام زمان علیه السلام تو خواب گفته فلان هست!

آقا علی بن ابیطالب تو خواب گفته فلان هست!

این همه حدیث داریم آیه داریم، اینها رو به مردم

بگو! خواب رو چه کار داری!



«در عوالمی سیر می‌دهد در خواب یا  
بیداری، به هر ترتیب هر شکل یا صورتی را که  
قوهی وهمیه به آن تمایل دارد، به آسانی در  
پیش چشمان سالک نمایان می‌سازد.  
بنابراین می‌توان این حالت را به سراب‌هایی تشبیه  
کرد که در بیابان در برابر دیدگان مسافرین  
خودنمایی می‌کند، با این تفاوت که سراب،  
معلول انعکاس نور خورشید و قوانین انکسار  
نور و امثال آن است، ولی این کشفیات،  
معلول فعالیت‌های نیروی توهم است و  
اما تشابه آن‌ها در این است که هر دو عاری  
از حقیقتند، و به یکدیگر شباهت دارند.»